

بررسی قلمرو تاثیر حسن نیت در تفسیر قراردادها

(تاریخ دریافت ۱۴۰۲/۰۴/۱۵ تاریخ تصویب ۱۴۰۲/۰۶/۱۲)

دکتر مریم احمدی^۱

استادیار گروه حقوق خصوصی واحد خمین، دانشگاه آزاد اسلامی، خمین، ایران.

اکبر بدرزاده

چکیده

می توان گفت حسن نیت یکی از اصول اخلاقی محسوب می شود که تاثیر شگرفی بر حقوق قراردادها دارد. به طوری که در برخی از نظام های حقوقی، به عنوان یک قاعده الزام آور در مراحل مذاکرات قراردادی، انعقاد، تفسیر و اجرای قرارداد شناخته می شود که تقریباً اکثر کشورهای دارای نظام حقوقی رومی - ژرمنی در این گروه قرار می گیرند. به عبارتی، طرفین باید با حسن نیت کامل و اعتماد متقابل، عمل کنند و اطلاعات اساسی را در اختیار یکدیگر بگذارند و در نتیجه در تفسیر قرارداد نیز موثر واقع می شود چرا که حسن نیت در تمام مراحل قرارداد بر حسب ماهیت آن، درجه تاثیر متفاوتی را دارد. در مرحله تفسیر قرارداد از طریق دکترین و رویه قضایی لزوم رعایت حسن نیت را می توان فهمید، لیکن در حقوق ایران، در قانون مدنی اشاره صریحی نشده است و تنها در حقوق تجارت الکترونیکی مصوب ۱۳۸۲ «لزوم حسن نیت در معاملات» آمده است. در اصول قراردادهای تجاری بین المللی و کنوانسیون بیع بین المللی کالا، به تفسیر قراردادها بر اساس اصل حسن نیت اشاره شده است. حسن نیت به معنای درستکاری معیار تفسیر قراردادها، می باشد.

واژگان کلیدی: عرف، قاعده انصاف، حسن نیت، تفسیر قراردادها.

^۱ نویسنده مسئول



بخش اول: کلیات

علاوه بر قوانین امری که از مصادیق نظم عمومی می باشند، دسته دیگری از قوانین مربوط به معاملات ناشی از وجود عرف و عادت در عموم معاملات یا درباره معاملۀ معینی است؛ مثلاً قانونگذار مصلحت متعاقدين را در امری می بیند و آن را به مادۀ قانونی در می آورد تا اگر برخلاف آن طرفین توافق نکنند، این امور خود به خود بر قرارداد آن ها حاکم باشد که به این دسته، قوانین تکمیلی و تفسیری گفته می شود که یا قوانین تفسیری می باشند و در صورت نقص قرارداد برای تفسیر ارادۀ ضمنی متعاملین استفاده می شود و یا تکمیلی محض هستند که نقص احتمالی قرارداد را به لحاظ عرف و عدالت معاملی تکمیل می کنند نه تکمیل ارادۀ طرفین. (قشقای، ۱۳۷۸، صص ۱۹۱-۱۹۲)

از آنجایی که الفاظ و عبارات همیشه تمام مفاهیم مدنظر متکلم را روشن نمی کند و حتی گاهی مخاطب نیز به تمام جزئیات پی نمی برد، پس تفسیر نقش مهمی می یابد که با روشن ساختن بخش های مبهم قرارداد، ارادۀ مشترک طرفین را مشخص می کند. (شهیدی، ۱۳۷۹، ج ۲، ش ۱۶۳) در این مقاله برآنیم تا با بیان نقش حسن نیت در تفسیر قراردادهای، به ضمانت اجرای آن و تفاوت این اصل با انصاف بپردازیم.

اصولی چون اصل حسن نیت، اصل وفای به عهد، ازادی قراردادهای، قبح عقاب بلایبان و اصل حاکمیت اراده با تاسیس قواعد حقوقی از حوزه علم اخلاق به تدریج وارد علم حقوق شدند و در تنظیم قوانین مدنی و کیفری به کار گرفته شدند (ابراهیمی، یحیی، مطالعه مفهوم و آثار حسن نیت، مجله حقوقی بین المللی، شماره ۴۱، ۱۳۸۱، ص ۶۲). اصل حسن نیت نیز به عنوان یکی از مفاهیم اخلاقی شمرده می شود که در خدمت عدالت در آمده و گام در عرصه علم حقوق نهاده است. با اینکه این اصل در حقوق بسیاری از کشورها پذیرفته شده است اما هنوز نتوانستیم تعرف جامع و کاملی از این اصل ارایه بدهیم در واقع علت این امر ناشی از قصور دکترین حقوق یا مقنن نیست بلکه برخی از مفاهیم من جمله حسن نیت بی نیاز از ارائه تعریف هستند (انصاری، علی، حسن نیت در حقوق ایران و فرانسه، پایان نامه دکتری دانشگاه شهید بهشتی تهران، خرداد ۱۳۸۴، ص ۱۹). می توان گفت این اصل دارای آثار حقوقی گسترده ای در نظام های حقوق دنیا به ویژه در نظام حقوقی کامن لا است (امینی، منصور؛ ابراهیمی، یحیی، حسن نیت در قراردادهای از نظریه تا عمل، حقوق تطبیقی، شماره ۲، دوره ۲، ۱۳۹۰، ص ۲۳).

بخش دوم: تبیین مفاهیم

حسن: این واژه در فرهنگ لغت به معنای خوبی، خوشی، نیکویی، نیکی و امتیاز می باشد.
نیت: این واژه در فرهنگ لغت به معنای اندیشه، باطن، ضمیر، قصد و مراد می باشد.
تفسیر: این واژه در فرهنگ لغت به معنای تاویل، تشریح کردن، گزارش دادن و شرح دادن می باشد.
قرارداد: این واژه در فرهنگ لغت به معنای پیمان، عهدنامه، مقاوله نامه، میثاق و قولنامه می باشد.

بند اول: پیشینه موضوع تحقیق

در خصوص اصل حسن نیت به طور کلی و به ویژه تاثیر حسن نیت در قراردادها هم در حقوق داخلی و هم در حقوق خارجی تحقیقات بسیار گسترده ای انجام شده است که اشاره ای به تحقیقات انجام داده شده خواهیم پرداخت:

۱- جواد عسکری در سال ۱۳۹۱ در پایان نامه کارشناسی ارشد خود که در دانشگاه تربیت معلم تهران دفاع شده تحت

عنوان نقش حسن نیت در قرارداد بیمه بدین شرح بیان شده است که اصل حسن نیت نقشی اساسی در عقد بیمه نسبت به سایر عقود دارد.

۲- حسن کوزه گر در سال ۱۳۹۱ در پایان نامه کارشناسی ارشد خود که در دانشگاه علامه طباطبایی دفاع شده تحت عنوان بررسی حسن نیت در تفسیر معاهدات بین المللی اعلام داشته تفسیر قراردادهای بین المللی امری بسیار حیاتی است.

بند دوم: روش تحقیق

روش به کارگرفته شده در این تحقیق کتابخانه ای و به روش توصیفی-تحلیلی می باشد و از تمام منابع چه مقالات و کتب استفاده شده در این تحقیق مورد استفاده قرار خواهد گرفت.

بخش سوم: تفسیر با حسن نیت قراردادها

بیشتر نویسندگان، حسن نیت را در موقعیت تفسیر، قرار داده و از آن استنباط کرده اند که قرارداد نباید براساس کلمات ادبی به کار رفته، تفسیر شود. (شهیدی، ۱۳۸۲، ج ۳، ص ۱۱۲) تفسیر قرارداد چه در قراردادهای شفاهی برای تشخیص اراده طرفین از عبارات



نسنجیده و گاه مبالغه آمیز و چه در قراردادهای کتبی برای بررسی اختلاف ناشی از مفاد قرارداد، اهمیت ویژه ای دارد و باید به روشی باشد که از قصد و اراده واقعی طرفین دور نشویم که در اینجا به دلیل خارج شدن از موضوع اصلی راجع به اهمیت و چگونگی تفسیر، بحث نمی کنیم؛ بلکه قصد داریم که به بررسی نقش حسن نیت در تفسیر و تکمیل قرارداد بپردازیم.

بند اول: مفهوم کلی

برخی از نویسندگان، عامل حسن نیت در تفسیر قرارداد را چنین معنا کرده اند: «محکمه هر قراردادی را با فرض صداقت و حسن نیت طرفین قرارداد تفسیر نموده و از نکات مورد اختلاف، رفع ابهام می کند» (صاحبی، ۱۳۷۶، ص ۱۷۴) در این مفهوم از حسن نیت، قاضی می تواند با کمک آن، حدود تکالیف طرفین و آثار قراردادی را مشخص کند، چرا که طرفین براساس اطمینان و فرض صداقت و حسن نیت در طرف مقابل با یکدیگر برای انعقاد قرارداد تراضی نموده اند، پس هیچ یک حق سوء استفاده از حسن نیت را ندارد. این مفهوم کلی می تواند به طور واضحی بیان کننده موضوع مورد بحث باشد.

بند دوم: نحوه تاثیر حسن نیت در مرحله تفسیر قراردادی

نقش حسن نیت در تفسیر قرارداد به سه صورت قابل تصور است:

صورت اول این است که تفسیر قرارداد یکی از اعمال حقوقی است که باید با حسن نیت توأم باشد، پس تفسیر کننده (قاضی) ملزم به رعایت حسن نیت در تفسیر قرارداد می باشد؛ چه اراده باطنی و یا اراده ظاهری، بر اساس سیستم حقوقی حاکم بر قرارداد مقدم باشد. در واقع، قاضی باید در تمام عواملی که او را به قصد واقعی طرفین می رساند، اراده باطنی را مدنظر قرار دهد و در تقدم اراده ظاهری نیز به سبب قرائن خارجی از مدلول صحیح عبارت اعراض نکند و فقط در صورت ابهام در عبارات، به عرف و عوامل دیگر رجوع کند. در به کارگیری تمامی این عوامل رعایت حسن نیت لازم است. (ابراهیمی، ۱۳۸۸، ص ۸۳)

در صورت دوم، حسن نیت طرفین هنگام انعقاد قرارداد بررسی می شود؛ به طوری که هر کدام از آن ها با حسن نیت اقدام به انشاء کرده باشند و برای مثال از عدم آگاهی یا اشتباه طرف مقابل از عبارت قرارداد سوءاستفاده نکرده باشند. بدین ترتیب قاضی با توجه به این امر، عبارات هر یک از طرفین را باید طوری تفسیر کند که با حسن نیت طرفین منافات نداشته باشد. (قشقای، ۱۳۷۸، ص ۱۹۷)

در صورت سوم، دو احتمال مساوی در قرارداد می باشد و نمی توان با عوامل تفسیری، یکی از آن ها را ترجیح داد که در این حالت، با توجه به حمل رفتار طرفین بر حسن نیت، آن عامل مقدم می شود. در این جا به نظر می رسد تقدم یکی از احتمال ها به سبب کاربرد اصل حسن نیت نیست، بلکه اگر اصل حسن نیت را به عنوان شرط صحت اعمال حقوقی بپذیریم، قاعده نتیجه دار بودن (اصل صحت) و تقدم معنای قانونی، موجب تقدم یکی از احتمال ها می شود و در نتیجه این صورت از بحث ما خارج می شود. (قشقای، ۱۳۷۸، ص ۱۹۸)

ماده ۱۵۷ قانون مدنی آلمان تصریح دارد که قرارداد باید مطابق حسن نیت که نیازمند توجه به عرف عمومی است، تفسیر شود. در حقوق فرانسه ماده خاصی راجع به اصل حسن نیت در تفسیر قراردادها نیامده است، اما برای تفسیر ارزش زیادی قائل شده است و یک بخش را که شامل ۹ ماده است به آن اختصاص داده است که در ماده ۱۱۵۶ ق.م. فرانسه می گوید: «تفسیر قرارداد باید منطبق با قصد مشترک طرفین باشد» و معیار های دیگری همچون عرف (مواد ۱۱۵۹ و ۱۱۶۰) و معانی کلی قرارداد (ماده ۱۱۶۱) ذکر شده است، اما همانطور که گفتیم اشاره ای به حسن نیت نشده است و بر طبق ماده ۱۱۳۵ ق.م. فرانسه، معیارهای انصاف و طبیعت عقد را می توان اضافه کرد، البته هرچند در این ماده کلمه تفسیر نیامده لیکن می توان با انطباق هدف آن، این ماده را ناظر بر تعیین مفاد عقد دانست. (انصاری، ۱۳۸۸، ص ۱۸۱)

پس با توجه به این که حقوق فرانسه در قوانین خود علیه سوءاستفاده از حق و رفتار ناشایست اقدام کرده و در مذاکرات قراردادی بر اعتماد متقابل تکیه کرده است، نمی توان کلیت حسن نیت را نادیده گرفت و ماده ۱۱۳۴ ق.م. فرانسه هر چند به اجرای با حسن نیت قرارداد توجه دارد، اما اجرای با حسن نیت، بدون تفسیر با حسن نیت امکان ندارد، چراکه اگر مراد از ماده مذکور درستی و صداقت در تعهدات مصرح قراردادی باشد، شناخت تعهدات قراردادی با تفسیر و احراز قصد طرفین همراه است و تا زمانی که تعهدات مشخص نشود، تکلیف همکاری صادقانه نیز جایگاهی ندارد. (ابراهیمی، ۱۳۸۸، ص ۸۵) در نتیجه در حقوق فرانسه، تفسیر قرارداد مانند اعمال حقوقی دیگر، باید با حسن نیت توأم باشد و همیشه اعمال اصل حسن نیت مفروض است و مدعی سوءنیت باید اثبات کند. البته باید توجه داشت که تفسیر و اجرای قرارداد در عین این که از یکدیگر مستقل هستند، اما عملاً



ارتباط نزدیکی بهم دارند و جدا کردن این دو از یکدیگر عملکرد قاضی را جهت مداخله در قرارداد آسان تر می کند. در رویه های قضایی می بینیم که مرحله اجرا و تفسیر عقد در تضمیمات اتخاذ شده به طور ضمنی با یکدیگر متصل شده اند، مانند:

رأی شعبه تجارتي دیوان عالی کشور فرانسه که در ۳۱ مارس سال ۱۹۹۲ میلادی صادر شده، اینگونه است که در آن پرونده، شرکتی مطابق قرارداد با شرکت دیگر، متعهد بوده که ظرفهایی را به وسیله یک نقاش ضدزنگ، نقاشی نماید، اما تعهد به نوعی انجام یافته بود که رنگ ها از هم جدا می شدند. شرکت متعهد، در مقام دفاع چنین می گوید که در قرارداد، این شرط پیش بینی نشده است که بایستی بر روی ظرفها با شن و ماسه اقداماتی صورت بگیرد تا این رنگ ها از یکدیگر جدا نشود. دیوان عالی کشور نهایتاً او را محکوم نموده و در استدلال خود آورده است: «او باید تعهدش را با حسن نیت اجرا می کرد». (انصاری، ۱۳۸۸، ص ۱۸۰)

رویه قضایی آلمان نیز تحت تأثیر این اصل بوده است. به عنوان نمونه می توان به این قضیه اشاره کرد: «خواهان یکی از دو مغازه خوانده را برای ۱۰ سال اجاره کرد و به طلا فروشی اشتغال داشت و زمانی که خوانده مغازه دیگرش را که در همسایگی خواهان بوده، برای طلا فروشی به دیگری اجاره داده، خواهان خواستار صرفنظر کردن خوانده از قرارداد جدیدش شده است». دادگاه امپراطوری رأی داد: «هرچند در قرارداد اجاره اول، هیچ تعهد ضمنی وجود ندارد که مالک املاک مجاورش را به همکاران مستأجر اجاره ندهد، اما خارج از اوضاع و احوال خاص این مورد، به دلیل اصل حسن نیت مندرج در ماده ۲۴۲، ۱۳۳ و ۱۵۷ همان قانون، چنین تعهد فرعی به وجود می آید». (قشقای، ۱۳۷۸، ص ۲۰۴)

پس همانطور که گفتیم، برای تفسیر قرارداد باید اراده طرفین را بررسی کنیم که در ماده ۱۳۳ ق.م. آلمان، بررسی اراده واقعی مورد حکم قرار گرفته است. به این معنا که اراده های شخصی طرفین که منجر به تشکیل قرارداد شده نیز مورد بررسی قرار بگیرد و در ماده ۱۱۵۶ ق.م. فرانسه، اراده مشترک طرفین مورد توجه است که در حقیقت مفاد قرارداد می باشد.

بند سوم: اصل حسن نیت در قواعد بین المللی

در عرصه بین المللی نیز اصل حسن نیت به عنوان یکی از عوامل برای تفسیر قرارداد، مورد توجه واقع شده است. در ماده ۴-۸ اصول قراردادهای تجاری بین المللی آمده است که در



صورت ساکت ماندن یک شرط که مطابق اوضاع و احوال است، باید به عواملی همچون قصد طرفین قرارداد، ماهیت قرارداد و مقصود آن، حسن نیت و معامله منصفانه و معقول و متعارف بودن آن توجه کرد. این که شرط امر معقول و متعارف را به طور مستقل از حسن نیت و معامله منصفانه آورده اند می تواند نشانه این باشد که مؤسسه UNIDROIT این دو مفهوم را متفاوت از یکدیگر دانسته است. (اصول قراردادهای تجاری بین المللی، ۱۳۸۵، ص ۱۵۸)

در ماده ۱-۴ نیز می گوید: «ابتدا باید بر طبق قصد مشترک، قرارداد تفسیر شود و اگر چنین قصدی نبود، طبق معنایی که شخص متعارف از همان نوع طرفین، در چنین اوضاعی، آن معنا را برای آن قرارداد در نظر می گرفت». (اصول قراردادهای تجاری بین المللی، ۱۳۸۵، ص ۱۴۷)

در کنوانسیون بیع بین المللی کالا برای کاستن از خطرهای تفسیری متفاوت، قواعدی را برای تفسیر مقرر کرده است. در بند ۱ ماده ۷ آن آمده است: «در تفسیر مقررات این کنوانسیون باید به خصیصه بین المللی آن و نیز به ضرورت ایجاد هماهنگی در اجرای آن و رعایت حسن نیت در تجارت بین المللی توجه شود». (بهرامی احمدی، ۱۳۹۰، ص ۷۲۱)

همانطور که می بینیم به سه خصوصیت در تفسیر کنوانسیون اشاره شده است: بین المللی بودن کنوانسیون، ضرورت ایجاد هماهنگی در اجرای آن و رعایت حسن نیت در تجارت بین المللی. خصوصیت بین المللی بودن به این موضوع اشاره دارد که مفسر از رعایت روش های حقوق داخلی اجتناب کند، مثلاً قاضی ایرانی یا فرانسوی نباید قواعد خاص فورس ماژور یا قوه قاهره را که در حقوق داخلی آن ها آمده است را جهت تفسیر مواد ۷۹ و ۸۰ کنوانسیون راجع به موارد رفع مسئولیت، ملاک عمل قرار دهد. در واقع کنوانسیون به طور عمدی جهت تأکید بر بین المللی بودن آن از کاربرد اصطلاحات حقوق داخلی همچون فورس ماژور خودداری کرده است، پس باید توجه کرد که کنوانسیون هم از لحاظ منبع حقوق که یک پیمان بین المللی است و هم از لحاظ موضوع که ناظر بر قراردادهای بیع بین المللی است، با حقوق داخلی متفاوت است. (صفایی و همکاران، ۱۳۷۸، صص ۴۲-۴۳)

ویژگی بعدی که ایجاد هماهنگی در تفسیر است، باید در تفسیر در نظر گرفته شود تا هدف کنوانسیون که ایجاد یکنواختی بوده است، تأمین گردد و از تفسیرهای متعارض که وحدت



حقوقی را از بین می برد، خودداری کنند.

و آخرین اصلی که در بند ۱ ماده ۷ آمده است «اصل حسن نیت» است که باید در تفسیر، در نظر گرفته شود. البته برخی مفسران گفته اند که حسن نیت در جایی نامناسب قرار گرفته است و در انعقاد و اجرای بیع لازم است که البته این اشکال مربوط به کارهای مقدماتی است. (صفایی و همکاران، ۱۳۷۸، ص ۴۴) در ماده ۵ پیش نویس آمده است: «در روند تشکیل قرارداد، طرفین باید اصل رفتار منصفانه را رعایت و با حسن نیت عمل کنند» که به علت اختلاف نظری که وجود داشت در آخرین مراحل تدوین کنوانسیون، حذف شد و فقط محدود به تفسیر کنوانسیون شد. (اصغری آقمشهدی و ابویی، ۱۳۸۷، ص ۳۱)

البته می توان در سایر مقررات، اصل حسن نیت را الهام بخش تفسیر قوانین ماهوی دانست، برای نمونه آنجایی که اقاله یا اصلاح قرارداد به صورت کتبی شرط شده است و اصولاً نیز باید اینگونه باشد. با وجود این، بند ۲ ماده ۲۹ کنوانسیون بنا بر اصل حسن نیت مقرر داشته است: «... مع هذا امکان دارد هریک از طرفین به علت رفتار خود از استناد به این شرط تا حدودی که طرف دیگر به چنان رفتاری اعتماد نموده است، منع شوند.» همچنین می توان به مواد ۴۰ (درباره اطلاع ندادن عدم انطباق کالا به مشتری از سوی بایع آگاه یا در حکم آگاه) و بند ۲ ماده ۴۶ (درباره عدم انطباق کالا در فرضی که نقص اساسی است و درخواست بدل از سوی مشتری که اخطار فرستاده است) (محسنی، ۱۳۸۵، ص ۲۱۶) برای شناسایی مفهوم حسن نیت توجه نمود که از توضیح آنها به دلیل اطاله کلام خودداری می شود. در مواردی که طرفین سکوت نموده اند و قرارداد ناقص جلوه می کند، نیز حسن نیت مؤثر است. مرسوم شده است که تکمیل قرارداد ناقص را نیز مرحله ای از تفسیر آن شمارند و همه چیز را به قصد مشترک منسوب کنند و در پیروی از این رسم، در جایی که قصد مشترک از اعلام ها و اوضاع و احوال همراه آن به دست نمی آید و دادرس به ناچار از عوامل خارجی، مانند عرف و عادت حرفه ای و قانون، راه حل اختلاف را بیابد و در واقع به تکمیل عقد بپردازد و از تفسیر فراتر رود، پس قطع نظر از مواردی که به اراده ضمنی دو طرف منسوب می شود، دو عامل قانون و عرف و عادات در تکمیل قرارداد نقش دارند. (کاتوزیان، جلد ۳، ۱۳۹۰، صص ۴۷-۴۸)

بند چهارم: شیوه های تفسیری بر اساس حسن نیت

در واقع به نظر برخی نویسندگان، اگر تفسیر را به معنای مضیق آن احراز اراده طرفین بدانیم، تکمیل نواقص قراردادی، در آن جای نمی گیرد ولی اگر تفسیر را در معنای موسع آن به کار ببریم، نقص قراردادی را تکمیل می کند. بنابراین می توان طبق همان مواد تفسیری، به تکمیل قرارداد پرداخت. بنابراین وقتی طرفین چیزی را در قرارداد نگفته اند، برای تفسیر عقد باید به عرف حاکم بر اراده طرفین و حسن نیت توجه نمود. (انصاری، ۱۳۸۸، صص ۱۸۴-۱۸۵)

گفتیم، تا زمانی که دو طرف قرارداد در مفاد آن و دامنه شمول آن اختلاف پیدا نکرده اند، تفسیر قرارداد لازم نیست، اما با پیدایش اختلاف قراردادی، نیاز به تفسیر داریم. به عنوان مثال می توان به قراردادهایی که به وسیله متصدیان بنگاه های معاملات ملک و خودرو بسته می شوند، اشاره کرد. این قراردادها اگرچه اغلب در نسخه های چاپی و مرسوم تنظیم می شوند، با وجود این به دلیل ناآگاهی اینگونه متصدیان و نداشتن حداقل اطلاعات ادبی و حقوقی لازم برای تنظیم قرارداد، موجب بروز اختلاف می شود و حتی گاهی دقیق ترین اسناد مانند اسناد رسمی که به وسیله کارشناسان تنظیم می شوند، نیاز به تفسیر دارند؛ چراکه اختلاف های احتمالی که در آینده پیش می آید، همیشه قابل پیش بینی نیستند. (قاسم زاده، ۱۳۷۶، صص ۵۸-۵۹)

همانطور که در ابتدای این مبحث بیان شد، دو شیوه تفسیر وجود دارد: ۱) کشف اراده باطنی و ترجیح آن بر اراده ظاهری؛ ۲) احراز اراده ظاهری با توجه به الفاظ و اعمال و ترجیح آن بر اراده باطنی. قانونگذار ایران به صراحت هیچ کدام را انتخاب نکرده است، اما به نظر می رسد به پیروی از نظر گروهی از فقهای امامیه، نظریه اراده باطنی را پذیرفته و قصد درونی عنصر اصلی قرارداد است (ماده ۱۹۱ ق.م.). لیکن چون دسترسی به اراده باطنی فقط از راه ابراز آن ممکن است پس قاضی باید از الفاظ و عبارات به احراز قصد مشترک آن ها دست یابد. (قاسم زاده، ۱۳۸۶، صص ۳۵۵-۳۵۶) پس در حقوق ایران قاضی نمی تواند با نادیده گرفتن قصد مشترک طرفین، از محدوده قرارداد فراتر رود، بلکه تا آنجا که ممکن است برای یافتن اراده طرفین تلاش می کند و اگر اراده صریحی نیافت، می تواند به شروط ضمنی و اراده ضمنی استناد کند که در واقع علاوه بر این که از اتهام تحریف قرارداد به دور مانده، بلکه آنچه را موافق حسن نیت و رفتار انسانی می بیند، اجرا می کند. (کاتوزیان، جلد



۳، ۱۳۹۰، ص ۵۴) در صورت عدم دسترسی به اراده صریح و ضمنی، به عرف و عادت مراجعه می کند و اگر آن ها نیز نباشند، با استفاده از قوانین تکمیلی، به تفسیر و تکمیل قرارداد می پردازد. (قاسم زاده، ۱۳۸۶، صص ۳۶۸-۳۶۹)

بند پنجم: جایگاه حسن نیت در تفسیر قراردادها در حقوق ایران و فقه امامیه

در حقوق ایران در مورد رعایت حسن نیت در تفسیر قرارداد قانونی وجود ندارد، فقط در ماده ۳ قانون تجارت الکترونیکی مصوب سال ۱۳۸۲ رعایت حسن نیت در تفسیر مورد توجه قرار گرفته است: «در تفسیر این قانون همیشه باید به خصوصیت بین المللی بودن، ضرورت توسعه هماهنگی بین کشورها در کاربرد آن و رعایت لزوم حسن نیت توجه کرد». (سلطان احمدی، ۱۳۸۹، ص ۹۴) این ماده همانطور که پیش از این آمد، شبیه ماده ۷ کنوانسیون بیع بین المللی کالا بوده و در حقیقت یک قانون فراملی است و سیاق قانون داخلی را ندارد، اما می توان از آن به عنوان راهی برای تدوین قوانین یا تکمیل قوانین موجود، در رابطه با حسن نیت بهره جست.

ماده ۱۰۳۶ ق.م. که قبل از اصلاحیه سال ۱۳۶۱ که از ماده ۹۲ ق.م. سوئیس گرفته شده بود، به جای عبارت «هزینه هایی که از روی حسن نیت صورت گرفته است»، عبارت «مخارج متعارفه» را به کار برده بود. اگرچه این ماده بعداً حذف شده است، اما نشان دهنده این است که قانونگذار ما با این مفاهیم آشناست و گاهی به طور صریح یا ضمنی به آن اشاره دارد. (جعفری لنگرودی، ۱۳۶۸، ص ۹)

از سوی دیگر همانطور که قبلاً اشاره شد، در مواد ۱۰ به بعد قانون بیمه نیز اثرات حسن نیت را می توان دید که هرچند به طور سلبی یعنی سوءنیت، تقلب و تقصیر سنگین به مفهوم حسن نیت اشاره دارند.

در فقه هم ارائه نظریه هایی مانند منسوب ساختن خیار غبن و عیب به شرط ضمنی یا بنایی درباره لزوم معادله نسبی دو عوض و سلامت مبیع، در واقع چهره ویژه ای از رعایت حسن نیت مفروض طرفین در تفسیر قرارداد است. (کاتوزیان، جلد ۳، ۱۳۹۰، صص ۵۵-۵۶) و همچنین قواعدی همچون لاضرر، احسان و من له الغنم فعلیه الغرم (که مرتبط با حسن نیت می باشند) عقد را تکمیل و تفسیر می کنند.

پس در حقوق ایران مانند حقوق فرانسه، قصد مشترک طرفین محور تفسیر است و معیارهای دیگری همچون انصاف، رعایت مصالح اجتماعی، عدالت و حسن نیت به صراحت



مورد توجه قرار نگرفته است، اما از آنجایی که یکی از وسایل تفسیر قرارداد، عرف است و در مقررات تکمیلی نیز دیده می شود و همچنین در رفتار یک انسان متعارف نیز، انصاف و حسن نیت وجود دارد و در مواد متعددی عرف مطرح شده است (مواد ۲۲۰، ۲۲۵، ۳۵۶، ۳۵۷، ۴۸۶، ۵۲۱، ۶۱۲، ۴۶۴ و ۶۶۷ ق.م.ا)، پس می توان عرف را یکی از مبانی احراز حسن نیت در حقوق ایران محسوب کرد و به طور غیرمستقیم، حسن نیت می تواند در تفسیر قراردادها نقش به سزایی داشته باشد و قاضی نمی تواند به استناد عدم تصریح این اصل، آن را به کلی کنار بگذارد و همچنین او نمی تواند صرفا به استناد انصاف و حسن نیت، قرارداد را تفسیر کند و هرآنچه را که به نظر خودش عادلانه است، به طرفین تحمیل کند، اما با استناد به عرف، عادت و قانون، به طور غیرمستقیم، به نتیجه می رسد و مقتضای انصاف و حسن نیت را نیز در تفسیر قرارداد مدنظر قرار می دهد. (قاسم زاده، ۱۳۷۶، ص ۷۰)

بند ششم: ضمانت اجرا

عده ای معتقد به عدم تفکیک بین مرحله اجرا و تفسیر قرارداد می باشند اما مرحله تفسیر از این جهت حائز اهمیت است که قاضی در قرارداد مداخله می کند. بنا به نظر برخی نویسندگان، در نظام های حقوق نوشته، قاضی به هیچ عنوان حق افزایش یا کاهش تعهدات طرفین را ندارد، اما در مورد حسن نیت که موجب افزایش اختیارات قاضی می شود تا او بتواند به اصلاح یا تکمیل قرارداد بپردازد، اهمیت بیشتری پیدا می کند. برای مثال در کشورهایی نظیر آلمان به قاضی نه تنها برای تبیین اجمال یا ابهام مفاد قرارداد اختیار داده است بلکه می تواند تعهداتی را نیز بر ذمه آن ها قرار دهد. (حسین آبادی، ۱۳۷۷، ص ۱۲۲) بعضی اساتید به نقش انصاف در این حیطة توجه داشته اند و معتقدند که «هرچند دادرس نمی تواند به استناد انصاف از اجرای مفاد عقد خودداری کند و باید انجام وظیفه را بر ندای وجدان ترجیح دهد، اما در مقام اجرای قرارداد، تلاش می کند به استناد انصاف از ظاهر بگذرد و آن را چنان معنا کند که از انصاف دور نباشد». (کاتوزیان، ۱۳۹۰، ص ۷۰) بنابراین نقض حسن نیت در مرحله تفسیر نیز اهمیت دارد و در برخی موارد قاضی با بررسی رعایت یا تخلف از آن اقدام به صدور رأی می نماید و بی توجهی به این امر می تواند موجب نقض رأی او شود.

بند هفتم: انصاف

حسن نیت از این حیث که مبنای اخلاقی دارد، ممکن است با بعضی نهادهای حقوقی که چنین مبنایی دارند، یکی دانسته شود. یکی از این مفاهیم انصاف است که به دلیل شباهت زیادی که به حسن نیت دارد برخی آن را یکی می‌دانند یا با یکدیگر خلط مبحث می‌کنند. انصاف در همه زمان‌ها وجود داشته و سبب انعطاف و حتی تصحیح حقوق می‌شود و هدف آن انسانی نمودن عدالت حقوقی است. در این گفتار که انصاف از جمله عوامل تعیین‌کننده تعهدات متعاقبین است و برای تفسیر، استفاده می‌شود، لازم دیده شد که تفاوت این دو مفهوم را با یکدیگر بیان کنیم. عدل و انصاف یعنی:

(۱) گذاشتن پایهٔ احقاق حق بر مساوات در مقابل قانون و احترام به حقوق افراد؛
(۲) در مقابل قوانین موضوعه به کار می‌رود؛ یعنی نظری که از قوانین موضوعه گرفته نشده و حتی ممکن است مغایر با آن باشد، در عین حال که عرفاً مصداق عدل و انصاف شمرده می‌شود. (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۸، ص ۴۴۴)
و قاعدهٔ عدل و انصاف به این معنا آمده است:
الف) محل قاعدهٔ عدل و انصاف مواردی است که حس برقراری موازنه حقوق در انسان تحریک می‌شود. حکم عقل و وجدان در چنین صورتی، قاعدهٔ عدل و انصاف را تشکیل می‌دهد و از همین قبیل است مورد مادهٔ ۴۵۹ ق.آ.د.ع.ا - م و مادهٔ ۵۷ آیین نامه اجرای اسناد رسمی؛

ب) تساوی در مقابل قانون و احترام به دیگران؛
ج) مفهوم ناشی از وجدان و فطرت که در قوانین موضوعه دیده نمی‌شود و یا خلاف آن دیده می‌شود. (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۸، ص ۵۱۵)
برخی انصاف را به عنوان وسیله‌ای برای انعطاف قانون تعبیر کرده‌اند. برخی دیگر آن را گزینه‌ای برای انتخاب بهترین راه حل که بیش از همه مطلوب دستگاه قضایی، بدون کمک‌گیری از عقل مستدل است، می‌دانند. (صاحبی، ۱۳۷۶، ص ۱۶۱) در فرانسه مادهٔ ۱۱۳۵ ق.م. به صراحت انصاف و حسن نیت را در کنار سایر عوامل از منابع التزام‌های قراردادی می‌شناسند. براساس مادهٔ ۱۱۳۵ ق.م. فرانسه: «قراردادها نه فقط نسبت به موضوعی که در قانون تصریح شده است، ایجاد الزام می‌کند بلکه نسبت به همه نتایجی هم که انصاف، عرف یا قانون بر حسب طبیعت به تعهد می‌دهد، الزام آور است».

هیچ ماده ای در قانون مدنی ایران به صراحت به انصاف اشاره ننموده است، اما مواردی از این قانون را بر مبنای انصاف تعبیر نموده اند، از جمله مواد: ۱۵۳ ق.م. که مقرر می دارد: «هرگاه نهری مشترک ما بین جماعتی باشد و در مقدار نصیب هر یک از آن ها اختلاف شود حکم به تساوی آن ها می شود، مگر این که دلیلی بر زیادی بعضی از آن ها موجود باشد»، ماده ۲۲۰ ق.م. که ضمن اقتباس از ماده ۱۱۳۵ ق.م. فرانسه از کلمه انصاف اجتناب کرده است، ماده ۲۷۷ ق.م.: «متعهد نمی تواند متعهدله را مجبور به قبول قسمتی از موضوع تعهد نماید، ولی حاکم می تواند نظر به وضعیت مدیون مهلت عادلانه یا قرار اقساط دهد» و مواد ۲۷۸ و ۵۸۷ همین قانون. برخی از حقوقدانان فرانسوی ماده ۱۱۳۵ ق.م. فرانسه را در ادامه و تکمیل بند ۳ ماده ۱۱۳۴ همین قانون می دانند و می گویند که حسن نیت چیزی جز انصاف نیست. (انصاری، ۱۳۸۸، ص ۱۱۲) بعضی دیگر این دو ماده را بدون هیچ گونه تفاوتی، یکسان به کار می برند و حسن نیت مقرر در بند ۳ ماده ۱۱۳۴ نتیجه ای از ماده ۱۱۳۵ ق.م. خواهد بود و برعکس انصاف بیان ساده ای از حسن نیت است

(Art 2268: La bonne foi est toujours présumée et c'est à celui qui allègue la mauvaise foi à la prouver. (<http://www.legifrance.gouv.fr>)

اما این دو مفهوم در دو ماده جداگانه آمده است و نشان از این دارد که این دو از هم مستقل هستند و بعضی می گویند: قاضی، عقد را به وسیله حسن نیت تصحیح نموده و به وسیله انصاف تکمیل می کند. بنابراین حسن نیت و انصاف دارای شباهت هستند و در صدر اخلاقی کردن حقوق بالاخص قراردادهای می باشند و همچنین هر دو، امکان مداخله قاضی در مفاد عقد را فراهم می کنند که البته نحوه مداخله آن ها متفاوت است. در واقع حسن نیت در اجرای قراردادها (ماده ۱۱۳۴ ق.م. فرانسه) همان اجرای صادقانه و بدون تقلب طرفین است که به صراحت شرط شده است ولی انصاف طبق ماده ۱۱۳۵ ق.م. فرانسه موجب وضع تعهدات جدیدی می شود و قاضی می تواند به وسیله عامل انصاف، مفاد قرارداد را با ایجاد تعهدات جدید که حتی ممکن است در مرحله انعقاد، طرفین به آن توجهی نکرده اند، گسترش دهد و با ضابطه نوعی انصاف، پاره ای از تعهدات را به موجب قانون و انصاف بر متعاقبین تحمیل می کند. بنابراین حسن نیت و انصاف، در اخلاقی نمودن حقوق و امکان مداخله قاضی در روابط قراردادی مشابه هستند، اما مبنای تعهدات برگرفته از حسن نیت، محدود بوده و انصاف گستره بیشتری دارد. (انصاری، ۱۳۸۸)



نتیجه‌گیری

حسن نیت مفهومی ذاتاً اخلاقی است و برای ایجاد ارتباط میان اصول حقوقی به مفاهیم بنیادینی همچون عدالت بکار می‌رود. تنوع نقش حسن نیت و آثار آن موجب ایجاد ابهام با مفاهیم مشابهی همچون انصاف در مرحله تفسیر، شده است اما دیدیم که این دو مفهوم مستقل از یکدیگر می‌باشند.

قراردادها باید با این فرض که طرفین در اعلام اراده خود از حسن نیت برخوردارند، مورد تفسیر قرار می‌گیرند و اصل حسن نیت نیز به عنوان معیار تفسیر به کار می‌رود. برخی از قوانین خارجی بر این تصریح دارند که قراردادها باید مطابق با حسن نیت لازم در عرف قرارداد، مورد تفسیر قرار گیرند و این امر در روح قانون ما نیز نهفته است. این معیار مانع از آن است که یکی از طرفین بتواند از روشی استفاده کند که طرف دیگر به آن توجه نکرده است. لزوم رعایت حسن نیت در تفسیر قراردادها، در اسناد بین‌المللی به‌ویژه اسناد تجاری نیز مورد توجه قرار گرفته است، به‌گونه‌ای که امروزه این اصل از ارزش‌های تجارت بین‌الملل محسوب می‌شود. ماده ۷ «کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا» (مصوب ۱۳۵۹ ش/۱۹۸۰) ناظر بر ضرورت رعایت حسن نیت در تجارت بین‌المللی است. مبنای اصل حسن نیت در قراردادهای بین‌المللی را اموری چون اخلاق و ارزش‌های فطری انسانی، ضرورت‌های خاص حوزه تجارت، ارج نهادن به نظم عمومی و اقتضای ذات قرارداد دانسته‌اند. همچنین با تأکید بر اصول قراردادهای تجاری بین‌المللی «مؤسسه بین‌المللی یکنواخت سازی حقوق خصوصی»، اصل حسن نیت توانسته در زمینه تفسیر مناسبات بین طرفین قرارداد بین‌المللی را حکمفرما باشد.



منابع و مآخذ

الف-کتاب ها

- اصول قراردادهای تجاری بین المللی (۱۳۸۵)، تدوین مؤسسه یکنواخت سازی حقوق خصوصی (UNIDROIT)، ترجمه و تحقیق بهروز اخلاقی و فرهاد امام، تهران، شهر دانش، چاپ دوم
- انصاری، علی (۱۳۸۸)، تئوری حسن نیت در قراردادها، تهران، انتشارات جنگل، چاپ اول
- بهرامی احمدی، حمید (۱۳۹۰)، حقوق تعهدات و قراردادها با مطالعه تطبیقی در فقه مذاهب اسلامی و نظام های حقوقی، تهران، انتشارات دانشگاه امام صادق (ع)، چاپ اول
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۶۸)، حقوق خانواده، تهران، انتشارات گنج دانش، چاپ اول
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۸۸)، ترمینولوژی حقوق، تهران، انتشارات گنج دانش
- سلطان احمدی، جلال (۱۳۸۹)، تأثیر عرف در تفسیر قرارداد، تهران، انتشارات جاودانه، چاپ اول
- شهیدی، مهدی (۱۳۷۹)، حقوق مدنی، اصول قراردادها و تعهدات، تهران، انتشارات عصر حقوق، چاپ اول، جلد ۲
- شهیدی، مهدی (۱۳۸۲)، حقوق مدنی، آثار قراردادها و تعهدات، تهران، انتشارات مجد، جلد ۳
- صاحبی، مهدی (۱۳۷۶)، تفسیر قراردادها در حقوق خصوصی، تهران، انتشارات ققنوس، چاپ اول
- صفایی، حسین؛ عادل، مرتضی؛ کاظمی، محمود؛ میرزائاد، اکبر (۱۳۸۷)، حقوق بیع بین المللی (بررسی کنوانسیون بیع بین المللی ۱۹۸۰ و مقایسه آن با مقررات بیع در حقوق ایران، فرانسه، انگلیس و آمریکا)، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ دوم



- قاسم زاده، مرتضی (۱۳۸۶)، اصول قراردادهای و تعهدات، تهران، نشر دادگستر، چاپ هفتم
- قشقایی، حسین (۱۳۷۸)، شیوه تفسیر قراردادهای خصوصی در حقوق ایران و نظام های حقوقی معاصر، قم، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، چاپ اول
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۹۰)، قواعد عمومی قراردادهای، تهران، شرکت سهامی انتشار، چاپ ششم، جلد ۳

ب- مقالات

- ابراهیمی، یحیی (۱۳۸۸)، «مطالعه تطبیقی مفهوم و آثار حسن نیت در انعقاد، تفسیر و اجرای قراردادهای»، مجله حقوقی بین المللی، شماره ۴۱، صفحات ۶۱ تا ۹۰ مجله
- اصغری آقمشهدی، فخرالدین و ابوئی، حمیدرضا (۱۳۸۷)، «حسن نیت در انعقاد قرارداد در حقوق انگلیس و ایران»، مجله اندیشه های حقوق خصوصی، شماره ۱۲، صفحات ۲۹ تا ۵۰ مجله
- قاسم زاده، مرتضی (۱۳۷۶)، «حل اختلافات قراردادی»، مجله دیدگاههای حقوقی، شماره ۵ و ۶، صفحات ۵۷ تا ۷۰ مجله
- محسنی، حسن (۱۳۸۵)، «اصل حسن نیت در حقوق ایران با مطالعه تطبیقی»، مجله حقوق تطبیقی، شماره ۱، صفحات ۲۰۵ تا ۲۳۷ مجله
- حسین آبادی، امیر (۱۳۷۷)، «تعادل اقتصادی در قراردادهای (۲)»، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۲۱ و ۲۲، صفحات ۱۲۱ تا ۱۵۴ مجله

ج- منابع لاتین

- <http://www.legifrance.gouv.fr>